

فصلنامه جهان نوین

No 2, 2020, P 34-52

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۹، صص ۵۲-۳۴

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شاپا: (۳۴۷۹ - ۲۶۴۵)

فرا تحلیل و مروری نظام مند بر مطالعات کارآفرینی در بین دانش آموزان

دکتر عبدالطیف گُر^۱محمد حسینی^۲

چکیده

بیکاری نوجوان و جوانان تحصیل کرده و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن در شرایط بحرانی کشور، کارآفرینی را به عنوان یک موضوع مهم مطالعاتی، مورد نظر پژوهشگران رشته‌های مختلف قرار داده است. تجربه کشورهای موفق حاکی از آن است که نهاد آموزش و پرورش به عنوان عامل اصلی بهسازی نیروی انسانی و توسعه پایدار نقشی شگرف در زمینه کارآفرینی دارد. هدف این پژوهش ارزیابی تحقیقات کارآفرینی دانش‌آموزی در ایران است. این پژوهش برای اولین در ایران به شیوه فرا تحلیل انجام گرفت. ۱۲ مقاله علمی - پژوهشی در زمینه کارآفرینی دانش‌آموزی مورد مقایسه و بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها محدود بوده است و بیشتر از منظر روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش‌ها بیشتر جنبه نظری داشته و راهکارهای عملیاتی ارائه نداده‌اند. آموزش کاربردی کارآفرینی از طریق بومی‌سازی برنامه‌های کارآفرینی دانش‌آموزی در سطوح نگرشی، سیاستی و عملیاتی کشورهای توسعه یافته مانند فنلاند می‌تواند شاه‌کلید و راهکار کاربردی در زمینه کارآفرینی دانش‌آموزی باشد.

واژگان کلیدی: فرا تحلیل، بیکاری، کارآفرینی، آموزش و پرورش، دانش آموزان

۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دبیر علوم اجتماعی، آموزش و پرورش، بوکان، ایران

مقدمه

با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی درمی‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به‌طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. به‌طوری‌که در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر دهه‌های طلایی کارآفرینی نام‌گرفته است (مک کلاین، ۲۰۰۴). در اکثر کشورهای پیشرفته و درحال توسعه، مقوله کارآفرینی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع توسعه مدنظر قرار گرفته است بررسی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته بیانگر آن است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است و کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش به‌سزایی دارند (محمود و دیگران، ۲۰۱۵ و راجپوت، ۲۰۱۵). کارآفرینان با بهره‌گیری از نیروهای مولدی که در خود برای حل خلاقانه مسئله سراغ دارند با ریسک‌پذیری و تحمل قابل توجه قادر می‌باشند با زیرکی، ظرافت و سرعت هر چه تمام‌تر تهدیدها و تنگناهای محیطی را در جامعه به فرصت تبدیل نمایند و در شرایط سخت نظیر بیکاری بسیار بالا، کمبود ارز، تورم، جنگ و ... فرصت‌های جدیدی را کشف و از آن‌ها به نفع خود و جامعه بهره‌برداری کنند (زلاتان و آدریچ، ۲۰۰۳).

بنا بر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی و بستر، کارآفرینی عبارت از: فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌هاست. به‌زعم "هیسریچ"، "پیترز" و "شفرد" (۲۰۰۵) و جانسون (۲۰۰۶): کارآفرینی یک مقوله چندوجهی پیچیده است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است. به نظر بیشتر صاحب‌نظران، کارآفرینی و کارآفرینان سهم به‌سزایی در توسعه اقتصادی دارند. هرچند برخی محققان هنوز در وجود رابطه معنادار بین افزایش کارآفرینی و میزان اشتغال و رشد اقتصادی در تردید به سر می‌برند (باپتیستا و پرتو، ۲۰۰۶). اما تقریباً تمام اندیشمندان این حوزه، معتقدند که کارآفرینی و کسب‌وکارهای نوپا سهم به‌سزایی در رشد اقتصادی هر جامعه‌ای دارند (باپتیستا، اسکاریا و مادرگا، ۲۰۰۵).

کشورهای مختلف در سه دهه گذشته در زمینه کارآفرینی برای فائق آمدن بر مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی به راه‌حلهایی از جمله، آموزش کارآفرینی، توسعه فرهنگ کارآفرینی، انجام حمایت‌های لازم از کارآفرینان، انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در این زمینه روی آورده‌اند. تغییرات سریع و عمیق هزاره‌ی سوم میلادی در تمام عرصه‌های زندگی بشر، نظام‌های آموزشی را بر آن داشت تا خود را با سرعت فزاینده‌ی رشد فناوری و تحول در دنیای مشاغل و برهم خوردن دائمی تعادل بین بازار کار و آموزش و پرورش هماهنگ سازند. توجه به کارآفرینی با عطف به بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در دوره کنونی در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. در کشور ایران نیز تحریم‌ها، فساد اداری و اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمدها و منابع، افزایش جمعیت بیکار و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن، ضعف مدیریت و

سیاست‌های کلان، مدرک‌گرایی، عدم تناسب شغل و تحصیلات، مفهوم کارآفرینی و توسعه آن را در مرکز توجه تحقیقات و پژوهش‌ها قرار داده است. کارآفرینی یا رنسانس هزاره سوم از سوی محققان کمتر در سطح آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش به دنبال بررسی سیستماتیک تحقیقات مرتبط با کارآفرینی در سطح آموزش و پرورش هستیم. تحقیقات تحلیل می‌شود و از منظر پیشینه نظری، روش و یافته‌ها مقایسه قرار می‌گیرند. نقاط ضعف و قوت تحقیقات تحلیل و در نهایت راهکارها و پیشنهادهای لازم در جهت توسعه کارآفرینی در بین دانش آموزان بیان می‌گردد.

پیشینه پژوهش

کارآفرینی را در معنا و مفهوم فعلی، اولین بار جوزف شوم پیتر به کاربرد که او را پدر علم کارآفرینی می‌نامند؛ وی بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در میان آحاد جامعه با خطرپذیری، به نوآوری اقدام کنند و با این کار، روش‌ها و راه‌حلهایی جدید، جایگزین راه‌حل‌های ناکارآمد و غیرممکن پیشین شوند. کلمه کارآفرین، کلمه‌ای فرانسوی است که به معنی بر عهده گرفتن (تعهد کردن) است. استوارت میل، این کلمه را در سال ۱۸۴۸ از زبان فرانسوی به ادبیات انگلیسی وارد کرد (موهانتای، ۲۰۰۶). طبق نظر ژوزف شومپیتر " کارآفرینی، نیروی محرکه و نیروی توسعه‌ی اقتصادی است. وی مشخصه کارآفرینی را نوآوری می‌داند. و فرایند کارآفرینی را تخریب خلاق می‌نامد (شومپیتر، ۲۰۰۹، ۳۶۱). مفهوم کارآفرینی نخستین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و از قرن شانزدهم تاکنون به‌طور تقریب کلیدی نام‌نگاری‌های اقتصادی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. کانتیلون به‌عنوان یک اقتصاددان، فعالیت اقتصادی را به کارآفرینی مرتبط دانست. وی در قرن هفدهم یکی از نخستین نظریه‌ها را در مورد کارآفرینی عرضه کرد و به همین دلیل او را بنیان‌گذار این واژه می‌دانند؛ اما از میانه‌ی قرن بیستم روانشناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علم مدیریت نیز وارد عرصه نظریه‌پردازی در زمینه‌ی کارآفرینی شدند. روانشناسان بیشتر به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی پرداخته‌اند؛ و جامعه‌شناسان و اندیشمندان علم مدیریت تأثیر فرهنگ و محیط هر فرد را در اقدام به کارآفرینی مهم دانسته‌اند (بهزادیان، ۱۳۸۳).

مفهوم کارآفرینی بر مبنای موقعیت و محیط به ویژگی‌هایی از جمله دسترسی به منابع و قواعد و تسهیل در روابط اجتماعی و امکانات مالی و اقتصادی جامعه مربوط است. کارآفرینی در مقوله‌های زیر، قابل تعریف و بررسی است: کارآفرینی، فراتر از شغل و حرفه است و می‌توان آن را یک شیوه زندگی دانست؛ کارآفرینی، روش اداره فرصت‌ها بدون در نظر گرفتن منابع موجود و قابل کنترل فعلی است؛ کارآفرینی، سازمان‌دهی و اداره یک فعالیت اقتصادی است؛

کارآفرینی، فرایند توسعه موقعیت‌ها و اقدام‌های نوآورانه همراه با پذیرش ریسک در یک سازمان و به‌طور مستقل است. از دیدگاه برخی از محققان، کارآفرینی موتور تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود و این تغییرات در ایجاد مشاغل جدید و استفاده اثربخش از منابع و قواعد مؤثر است و باعث تجدید حیات ملی می‌شود (هزارجریبی، ۱۳۸۸).

«لستر تارو» عقیده دارد، پایه‌های قدیم کامیابی فروریخته است. در تمام طول تاریخ بشر، منشأ کامیابی دستیابی به منابع طبیعی مانند زمین، طلا و نفت بوده است که ناگهان ورق برگشته و دانش به‌جای آن نشسته است. این عصر، عصر صنایع انسان ساخته بر پایه دانایی و توانایی‌های فکری است. فناوری‌های جدید، ماهیت هرم ثروت را دگرگون ساخته است، پایه ضروری اولین انقلاب صنعتی زغال‌سنگ بود. زغال‌سنگ، با توجه به فناوری زمان، بسیار سنگین و حمل‌ونقل آن دشوار بود و انقلاب فنی ماشین بخار درجایی که زغال‌سنگ نبود روی نمی‌داد. آغاز انقلاب صنعتی در انگلیس تا حدی مدیون دسترسی آسان به ذخایر زغال‌سنگ بود. در دومین انقلاب صنعتی، تولید انبوه که به سرمایه‌های کلان متکی بود، راهگشای توفیق اقتصادی شد. برندگان، کسانی بودند که بیشتر از همه ثروت داشتند: «کارنگی» در آغاز قرن نوزدهم، «فورد» در دهه ۱۹۲۰، «امریکن کورپوریشن» در دهه ۱۹۵۰ و شرکت‌های ژاپنی در دهه ۱۹۸۰ (تارو، ۱۳۸۱: ۹۲).

سومین انقلاب صنعتی عناصر سازنده هرم ثروت را به‌گونه‌ای جدید طراحی می‌کند و قاعده بازی را تغییر می‌دهد و برندگان این عرصه جوامعی خواهند بود که ماهیت هرم ثروت را در اقتصادی متکی به دانش دریابند؛ بنابراین، دانش و دانش‌آموختگان محور توانایی‌های جدید جامعه قلمداد می‌شوند و مهم‌ترین مسئله شناسایی و سازمان‌دهی افراد برمدار دانایی و دانش است. «ماکس وبر» معتقد است، کوشش برای بهبود معاش یا اخلاق کار، نقش اصلی را در توسعه اقتصادی و صنعتی نظام سرمایه‌داری بازی می‌کند و بین اخلاق پروتستانی و طرز زندگی آنان با پیشرفت اقتصادی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. «وبر» تأکید می‌کند که تنها محرک پیشرفت اقتصادی نظام سرمایه‌داری، اخلاق پروتستانی و طرز تفکر پروتستان‌ها بوده است. در اخلاق پروتستانی برای هر فرد یک صفت کاری یا اخلاق کاری وجود دارد که بر اساس آن، فرد وجدان کاری خود را در تمام مراحل کاری به ثبوت می‌رساند. این خصیصه اخلاقی موجب می‌شود که فرد با احساس مسئولیت و درنهایت دقت و کارایی، وظایف کاری و شغلی خود را انجام دهد. باین‌همه، وی اولین محقق بود که به تبیین ارزش‌های عقیدتی و درونی فرد بر رفتار کارآفرینانه پرداخت (وبر، ۱۳۷۱: ۱۳۵ - ۱۳۳). «ژوزف مک گوایر» نقش کارآفرینی در جوامع مختلف را با توجه به تنوع فرهنگی متفاوت می‌داند و به نظر وی، منابع طبیعی و سرمایه نقدی ممکن است یکسان باشد اما آنچه را که باید در درک تفاوت رفتار موردتوجه قرارداد، عواملی مانند عقاید اجتماعی، هنجارها، پاداش و رفتارها، آرمان‌های فردی و ملی، مکاتب دینی و تعلیم و تربیت است (پالمر، ۱۹۸۷: ۴۸).

از دیدگاه «ساویر» کارآفرینی را می‌توان در دامنه وسیعی از وظایف مشاهده کرد. این وظایف می‌تواند شامل نوآوری محض تا کارهای معمولی باشد و کارآفرینی را نه تنها به‌طور مستقل و فردی بلکه در تمام سازمان‌هایی که در آنها تصمیم‌گیری‌های متهورانه اتخاذ می‌شود و به ترکیب و تخصیص منابع در شرایط بی‌ثبات تأثیر می‌گذارد، می‌توان یافت (بروکهاوسه، ۱۹۸۲: ۴۰). «هاربینسون و مایرز» معتقد بودند که کارآفرین فردی است که نمی‌توان او را از سازمان خود جدا کرد؛ زیرا وی با آن درآمیخته است، وظیفه او این است که شرایطی را فراهم آورد که تحت آن، دیگر عناصر مدیریت بتوانند ضمن انجام وظایفی که در سازمان تعیین شده است، به اهداف شخصی خود نیز دست یابند (گاسه، ۱۹۸۵: ۵۶). «مارکس» بر این عقیده است که نظام سرمایه‌داری از طریق پیکار طبقاتی در درون نظام فئودالیسم و در نتیجه زوال این سیستم به وجود می‌آید. «مارکس» به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب مارکسیسم، نظام سرمایه‌داری را از دید جامعه‌شناختی تعریف و سپس عملکرد آن را با دید اقتصادی تحلیل کرد. وی بر این باور است که در نظام سرمایه‌داری دو طبقه اجتماعی سرمایه‌دار و کارگر «بورژوا و پرولتاریا» وجود دارند که وظیفه اصلی این نظام، صنعتی شدن جامعه است که به‌نوبه خود مسائل متعدد اقتصادی و اخلاقی را به وجود آورده و ریشه‌های دگرگونی خود را پی‌ریزی کند و همین تضاد ماهوی سرمایه‌داری با ایجاد بحران‌های اقتصادی و بیکاری به مبارزه طبقاتی منجر می‌شود و سرانجام کارگران دست به انقلاب می‌زنند و سوسیالیسم به وجود می‌آید. مارکس معتقد است که در سوسیالیسم مالکیت شخصی و استثمار کارگران از بین می‌رود و توزیع ثروت بر مبنای کمیت و کیفیت کار انجام می‌گیرد (تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۵۰). کارآفرینی تأثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی مردم دارد. هر چه یک جامعه بیشتر در فعالیت‌های کارآفرینی شرکت کند، سریع‌تر به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست می‌یابد. جوامع امروزی به افرادی که مصمم به موفقیت و قادر به تبدیل رؤیا به حقیقت و دارای روحیه استقلال‌طلبانه برای کاوش موقعیت‌های جدید باشند، نیاز دارد. اگر به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی کارآفرینی توجه کنیم، می‌بینیم که هر چه جامعه رشد بیشتری باشد، نقش افراد تخصصی‌تر و واضح‌تر می‌شود؛ علاوه بر آن، نیاز افراد جامعه به کالا و خدمات یک موقعیت اقتصادی به شمار می‌رود؛ و این کارآفرینان جامعه هستند که به این نیازها به‌موقع پاسخ می‌دهند. زمانی که کارآفرینی به‌عنوان شغل از سوی بسیاری از اعضای یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه به‌سرعت رشد می‌یابد؛ به‌طوری‌که کارآفرینی موجب اشتغال جدید می‌شود و موجبات کاهش نرخ بیکاری را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، کارآفرینان پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدید هستند و نیز به دنبال روش‌هایی هستند که این کالاها و خدمات را به‌طور مؤثر تولید و عرضه کنند؛ از این رو، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشند. کارآفرینی موجب توزیع متناسب درآمد می‌شود؛ بدین ترتیب، مردم جامعه برای خرید کالاها و محصولات پول بیشتری دارند و سود بیشتری به کارآفرینان می‌دهند. آنان حتی می‌توانند در کارهای خود

سرمایه‌گذاری کنند و موجب افزایش بهره‌وری عظیم ملی شوند و از این نظر، کشور سریع‌تر توسعه می‌یابد و سود اجتماعی را نصیب دولت می‌کند. از طریق ایجاد فرصت‌ها برای کارآفرینان می‌توان به میزان درآمد سالانه بالاتر و زندگی بهتر دست‌یافت؛ زیرا میزان درآمد سرانه بالا نشانه قابلیت بالا برای کارآفرینی است (هزار جریبی، ۱۳۸۸).

طبق نظرسنجی‌هایی که سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۰ در ۵۹ کشور از جمله ایران انجام داده، نسل امروز نسل کارآفرینی است، اما بر اساس همین گزارش وضعیت ایران در حوزه کارآفرینی در بین کشورهای جهان مطلوب نیست (بوسما و دیگران، ۲۰۱۲). با توجه به معضل بیکاری در میان جوانان و دانش‌آموختگان ایران، یکی از راهکارها، پرورش افراد کارآفرین است، زیرا در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده و ... آموزش کارآفرینی را از سطوح پایین تحصیلی آغاز کرده‌اند و به نتایجی اثربخش رسیده‌اند. نظام آموزشی ما به‌عنوان متولی اصلی رشد و یادگیری باید افراد بالقوه کارآفرین را شناسایی و زمینه‌های لازم را برای بروز خلاقیت آنان فراهم کند. تحقیق‌ها نشان داده‌اند که با رشد برخی ویژگی‌ها در افراد، ویژگی‌های کارآفرینی در آن‌ها تقویت می‌شود (گرو و آتسان، ۲۰۰۸). تحقیقات در حوزه کارآفرینی و مفاهیم مرتبط با آن مانند آموزش بیشتر در سطح دانشگاه صورت گرفته است. بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان (بدری و همکاران، ۱۳۸۵)؛ نقش آموزش کارآفرینی برافزایش خلاقیت دانشجویان (مردان‌شاهی و حسنعلی، ۱۳۹۴)؛ تأثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش و روحیه کارآفرینی دانشجویان (داوودی و همکاران، ۱۳۹۱) از جمله تحقیقاتی است که در سطح دانشگاهی صورت گرفته است درحالی‌که این موضوع‌ها و مفاهیم مرتبط با کارآفرینی در سطح مدارس در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته مانند فنلاند و سوئد بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد (کایرو، ۲۰۰۶؛ راسکوارا و همکاران، ۲۰۱۴؛ هاملان و همکاران، ۲۰۱۸).

سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی و سازمان توسعه و مشارکت اقتصادی معتقدند دولت‌ها می‌توانند با حمایت از کارآفرینی و نوآوری، شرایط اقتصادی و بیکاری را بهبود بخشند. در دهه اخیر، دولت ایران از کارآفرینی حمایت کرده است و در برنامه سوم و چهارم توسعه، راهکارهای کارآفرینانه برای حل مشکلات اقتصادی پیشنهاد گردیده است. طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها (KARAD) طرحی است که در برنامه سوم توسعه (۲۰۰۵-۲۰۰۰) توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ۱۳ دانشگاه ایرانی به اجرا درآمد. در این طرح، در ایجاد روحیه و فرهنگ کارآفرینانه و ساختن مؤسسات حمایتی و رفاهی همچون مراکز کارآفرینی، پارک‌های علوم و فناوری و تسهیلات واسط، سرمایه‌گذاری شد. در طرح چهارم توسعه (۲۰۰۵-۲۰۰۹)، اهمیت بیشتری به برنامه‌های توسعه کارآفرینی از طریق آموزش و حمایت‌های

مستقیم و غیرمستقیم انجام گرفت. هم‌اکنون مراکز توسعه کارآفرینی و نوآوری در ۱۰۶ شعبه دانشگاهی، انواع دوره‌ها به افرادی که خواهان ایجاد کسب‌وکار یا یک شرکت هستند، ارائه داده می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده‌ها توصیفی - کیفی از نوع فرا تحلیل است. فرا تحلیل روشی است که بر اساس آن سعی می‌شود که تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده قبلی را استنتاج نمود و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره گرفت (خلعتبری، ۱۳۸۷). فرا تحلیل، دربرگیرنده ترکیب کمی گزارش‌ها و نتایج پژوهش‌های مشابه، استخراج و جدول‌بندی فراوانی مشخصات پژوهش‌ها و بررسی روابط آماری میان متغیرهای پژوهش‌هاست. بر این اساس، این مقاله به دنبال تبدیل یافته‌های مطالعات مختلف به یک مقیاس مشترک است. از این رو می‌توان خلأهای نظری و پژوهشی را مشخص کرد تا به جهت دادن پژوهش‌های بعدی و جدید کمک کند (ولف، ۱۹۸۹: ۱۲۳ و ۱۲۶). در مجموع، ۱۲ مقاله فارسی مرتبط با کارآفرینی دانش آموزان در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۶ از دو منبع علمی «مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» و «پرتال جامع علوم انسانی» قابل‌شناسایی بوده است. روش نمونه‌گیری، به شیوه تمام شماری نمونه‌های در دسترس است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات بررسی انتقادی، تفسیری و استنباطی بوده است.

شماره	نویسندگان	عنوان مقاله
۱	مشایخ (۱۳۸۶)	بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان کازرون
۲	بهرام زاده و همکاران (۱۳۸۹)	ارزیابی نقش جو سازمانی در روحیه کارآفرینی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز
۳	علی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)	توزیع متفاوت مؤلفه‌های کارآفرینی در دانش آموزان چپ‌دست و راست‌دست
۴	طباطبایی و همکاران (۱۳۹۴)	رابطه هوش اجتماعی با مهارت‌های کارآفرینی و خلاقیت دانش آموزان هنرستان‌های شهر شیراز
۵	آراسته و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق روش داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش آموزان مقطع ابتدایی
۶	مرادی و همکاران (۱۳۸۷)	بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی در دانش آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راهکار جهت تقویت این ویژگی‌های
۷	عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در بین دانش آموزان پایه نهم دوره اول آموزش متوسطه استان کردستان
۸	خاتمی و شاه‌حسینی (۱۳۹۱)	وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش

۹	امین بیدختی و قاسمی (۱۳۹۲)	مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با کارآفرینی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار
۱۰	صالحی و همکاران (۱۳۹۰)	بررسی ارتباط استعداد شناختی کارآفرینی دانش‌آموزان دوره متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش استان چهارمحال و بختیاری با متغیرهای جمعیت‌شناختی، هوش، عملکرد تحصیلی و شخصیت آنان
۱۱	میرزاییان و شریفی (۱۳۹۵)	بررسی و مقایسه‌ی مؤلفه‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان سال آخر مدارس متوسطه و هنرستان (دوره دوم) شهرستان دلفان
۱۲	حریری و همکاران (۱۳۹۵)	اثر بخشی بخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر

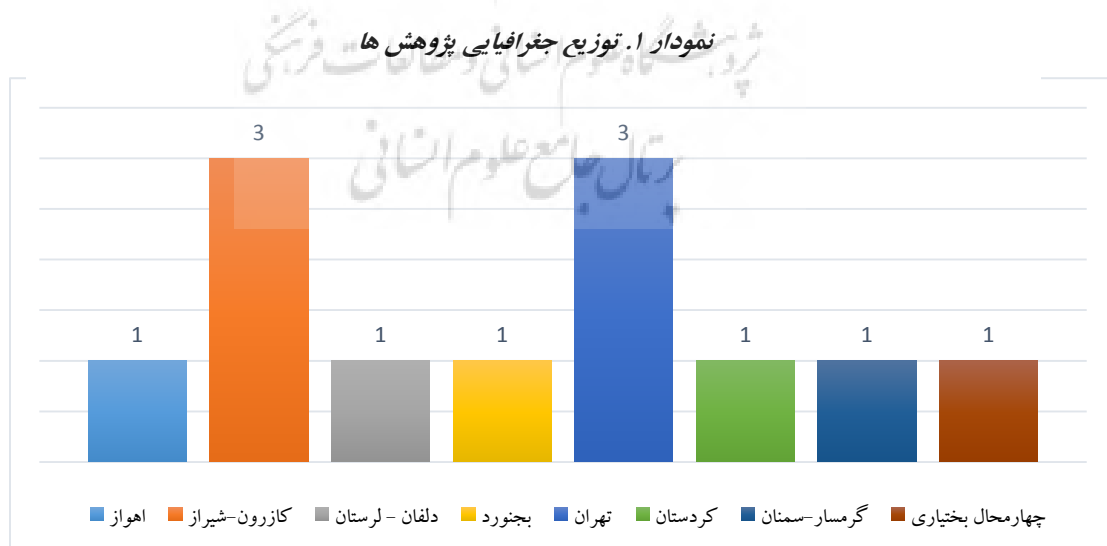
جدول ۱. مقالات علمی پژوهشی به‌عنوان نمونه پژوهش

یافته‌ها

در این بخش به‌صورت توصیفی، جدول و فراوانی و نمودار مقالات توصیف می‌شوند. موضوع‌ها، سؤال‌ها، روش‌ها، نظریه و نتایج مقایسه و جمع‌بندی می‌شود و در نهایت کیفیت مقالات مورد ارزیابی قرار می‌گردد.

۱) توزیع جغرافیایی

دانشجویان ارشد و اساتید دانشگاه و اعضای هیئت‌علمی این تحقیقات را انجام داده‌اند. از منظر جغرافیایی این پژوهش‌ها در تهران (۳ پژوهش)، شیراز (۳ پژوهش)، گرمسار - سمنان (۱ پژوهش)، چهارمحال و بختیاری (۱ پژوهش)، کردستان (۱)، اهواز (۱ مورد)، بجنورد (۱ مورد)، لرستان (۱ مورد) بوده است.



۲) حوزه پژوهشی

از نظر میدان تخصصی و علمی که نشان‌دهنده چشم‌انداز نظری پژوهش‌هاست. ۸۳/۳ درصد از حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۸/۳ درصد از مقالات در حوزه علوم اجتماعی، ۸/۳ درصد از مقالات در حوزه اقتصاد و مدیریت است.

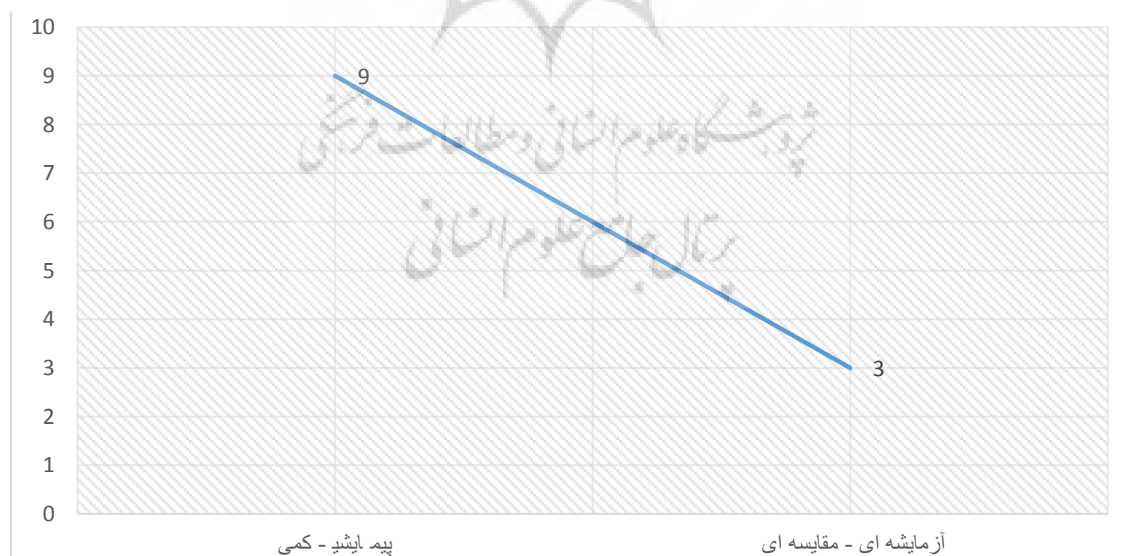
جدول ۲. توزیع فراوانی حوزه پژوهشی نمونه مورد مطالعه

درصد	فراوانی	رشته
۸/۳	۱	مدیریت و اقتصاد
۸/۳	۱	علوم اجتماعی
۸۳/۳	۱۰	روان‌شناسی و علوم تربیتی

۳) متدهای پژوهشی

روش پژوهش به صورت توصیفی و کمی بوده است. ۹ پژوهش به صورت پیمایش کمی و توصیفی و سه پژوهش به صورت آزمایشی و مقایسه‌ای بوده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی روش پژوهش در نمونه مورد مطالعه



۴) رویکرد نظری

چشم‌اندازی نظری مقالات استخراج شد و آنچه دریافت می‌شود صد درصد مقالات از نظریات روان‌شناختی استفاده کرده‌اند.

جدول ۴. پیشینه‌های نظری در پژوهش‌های مورد مطالعه

شماره	نظریه	نظریه پرداز و محقق
۱	جوسازمانی باز، بسته، نظاره‌گر، پدران، آشنا، خودگردان	هالپین و همکاران، ۱۹۹۳
۲	دیدگاه روانکاوی کارآفرینی	مکله لند، ۱۹۸۶
۳	ارثی یا اکتسابی بودن کارآفرینی و با تأکید بر روحیه کارآفرینی	برجیا، ۱۹۹۶
۴	خلاقیت و نوآوری در کارآفرینی	استیونبرا و جابرت، ۱۹۸۵
۵	خلاقیت و ریسک‌پذیری	رابیتسون و همکاران، ۱۹۹۱
۶	تدریس فعال در زمینه کارآفرینی	تزکای، ۲۰۰۵
۷	ساختار مغزی کارآفرینان و تخصیص یافتگی نیمکره‌های مغز	آنت، ۲۰۰۲
۸	مهارت‌های اجتماعی در کارآفرینی	کارتلاج و میلبرن و میلبرن، ۱۹۸۵
۹	هوش اجتماعی	سلیور و همکاران، ۲۰۰۱
۱۰	ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی	گرو و واتسون، ۲۰۰۶

۵) یافته‌های پژوهشی

خلاصه نتایج پژوهش‌های که در زمینه کارآفرینی انجام شده است بیانگر این موضوع است که بین مهارت‌های اجتماعی و هوش اجتماعی و کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی در صورتی که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بالاتر باشد مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان بالاتر است. همچنین ویژگی‌های روان‌شناختی مانند خلاقیت و نوآوری با کارآفرینی رابطه مستقیم دارد؛ اما آنچه بیان شده است که میزان مهارت کارآفرینی یا استعداد کارآفرینی در میان دانش‌آموزان فنی حرفه‌ای نسبت به شاخه‌های نظری بیشتر است.

شماره	یافته‌ها
۱	<p>✓ روحیه کارآفرینی دانش‌آموزانی که آموزش کارآفرینی دیده‌اند، نسبت به دانش‌آموزانی که آموزش ندیده‌اند، بالاتر است.</p> <p>✓ دانش‌آموزانی که در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تحصیل می‌کنند، نسبت به سایر دانش‌آموزان که در رشته‌های نظری تحصیل می‌کنند، روحیه کارآفرینی بالاتری دارند.</p>
۲	<p>✓ رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در مؤلفه‌های ریسک‌پذیری و توفیق طلبی مشاهده شد.</p> <p>✓ بدین‌صورت که ویژگی ریسک‌پذیری در چپ‌دست‌ها به طور معنی‌داری بیشتر و در ویژگی توفیق طلبی راست‌دست‌ها بیشتر است</p>
۳	<p>✓ نتایج پژوهش نشان داد بین هوش اجتماعی و ابعاد آن با مهارت‌های کارآفرینی و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.</p>
۴	<p>✓ دانش‌آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی در وضعیت نامطلوبی از نظر قابلیت‌های بنیادین کارآفرینی به سر می‌برند.</p> <p>✓ چهار ویژگی توفیق طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت و ریسک‌پذیری در آن‌ها از حد متوسط پایین‌تر است</p>
۵	<p>✓ میانگین نمره کارآفرینی در هر یک از ابعاد هشت‌گانه نشان از آن دارد که دانش‌آموزان از نظر ویژگی‌های فردی و شخصیتی کارآفرینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند</p>
۶	<p>✓ نتایج حاصل از تحقیق نشان دادند که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی از حیث ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی نسبت به دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی از وضعیتی بهتر دارند.</p>
۷	<p>✓ آموزش کارآفرینی با روش داستان‌سرایی در زمینه کارآفرینی موجب تقویت نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان و همچنین تقویت ابعاد آن شامل خلاقیت، میل به موفقیت، کنترل درونی و عزت‌نفس شده است.</p> <p>✓ داشتن خانواده فعال در کسب و کار بر رابط آموزش کارآفرینی به روش داستان‌سرایی در زمینه کارآفرینی و نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر داشته است.</p>
۸	<p>✓ بین هوش دانش‌آموزان هنرستان‌های استان با استعداد شناختی کارآفرینی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.</p> <p>✓ بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هنرستان‌های استان با استعداد شناختی کارآفرینی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.</p>
۹	<p>✓ تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان سه‌شاخه تحصیلی مشاهده شد و کمترین تفاوت مرتبط با مؤلفه‌های کارآفرینی مربوط به دانش‌آموزان شاخه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای بوده است</p> <p>✓ دانش‌آموزان در این دوشاخه از لحاظ مؤلفه‌های ریسک‌پذیری، استقلال طلبی، تیم کاری و آینده‌نگری با یکدیگر تفاوت معناداری داشته‌اند ولی در مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی و تحمل ابهام با یکدیگر تفاوت معناداری نداشته‌اند.</p>

<p>✓ بیشترین سطح تفاوت مربوط به شاخه‌ی کار و دانش بوده که همین شاخه نیز بالاترین سطح نمره‌ی مربوط به مؤلفه‌های کارآفرینی را در میان دانش‌آموزان داشته است.</p>	
<p>✓ بین مهارت‌های کارآفرینی (خرده مقیاس‌های مهارت‌های فردی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کاربردی، مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقانه) و مهارت‌های اجتماعی دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنادار وجود دارد، یعنی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی موجب افزایش مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان شده است.</p>	۱۰

جدول ۵. یافته‌های پژوهشی نمونه مورد مطالعه

ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها

این پژوهش برای اولین بار در ایران به شیوه فرا تحلیل انجام شده است. فرایند فرا تحلیل بیش از یک فن آماری، یک روش‌شناسی برای بررسی نظام‌دار مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، صورت‌بندی دقیق فرضیه‌ها، انجام یک جستجوی جامع و تهیه ملاک ورود یا حذف مقاله‌ها، ثبت و نگهداری ترکیب آماری داده‌ها و اندازه‌های اثر به‌دست‌آمده از بررسی‌های متعدد، جستجوی تعدیل‌کننده‌ها و متغیرهای میانجی برای تبیین اثرات موردنظر و گزارش نتایج است. کلید اصلی این اصطلاح را اندازه اثر تشکیل می‌دهد. موضوع کارآفرینی دانش‌آموزان، بسیار محدود مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی می‌تواند تأثیر شگرفی در زمینه کارآفرینی داشته باشد. بهسازی و ارتقای سطح توانمندی‌های انسان‌ها و نظام اجتماعی از سیاست‌های اصلی و مأموریت‌های بایسته و شایسته یک نظام کارآمد و پویا محسوب می‌شود، همه بر این باورند که بزرگ‌ترین سرمایه هر کشور افراد جامعه می‌باشند و در واقع دانش‌آموزان هر جامعه مهم‌ترین عامل دستیابی به اهداف آن جامعه به شمار می‌روند، در این میان نقش محیط آموزشی و مسئولان آموزشی غیرقابل‌انکار است. توزیع جغرافیای پژوهش‌ها بسیار محدود بود و در استان‌های مانند سیستان و بلوچستان با وجود استعدادهای بی‌شمار و ظرفیت‌های منابع طبیعی گسترده دارای بیکاری مفرط هستند هیچ‌گونه مطالعه‌ای صورت نگرفته است. حوزه‌های پژوهشی بیشتر در زمینه روان‌شناختی بوده است. بررسی کارآفرینی دانش‌آموزان دربرگیرنده ابعاد متفاوت سیاسی اقتصادی اجتماعی محیطی و روان‌شناختی است؛ اما این پژوهش‌ها صرفاً جنبه‌های درونی و شخصیتی (فردی) را در بین دانش‌آموزان بررسی کرده‌اند. نظریه‌ها عموماً محدود و قدیمی بوده‌اند و نظریات نظری مدرن در حوزه کارآفرینی بهره‌ای نداشتند. یافته‌های پژوهشی نیز در سطح محدود و نظری باقی‌مانده و پیشنهادهای کاربردی مطرح نشده است و در بسیاری از پژوهش تکرار مکررات برخی ویژگی‌های شخصیت‌های کارآفرین بوده است. پژوهش‌ها اگر به‌صورت کاربردی نباشد و تأثیرگذاری نداشته باشند و از سوی نهادهای مدیریتی و

سیاست‌گذاری به صورتی عملیاتی دنبال نشود، صرفاً کار بیهوده‌ای صورت گرفته است و باید در این سطح فراتر رویم و بجای انجام تحقیقات تکراری به‌سوی ترجمه و بومی‌سازی تحقیقات کارآمد در حوزه کارآفرینی دانش‌آموزی کشورهای پیشرفته و موفق باشیم.

نتیجه‌گیری و راهکارها

به گزارش سازمان جهانی کار (ILO) بیش از نیمی از شهروندان کشورهای در حال توسعه در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنند و بیش از میلیارد انسان از امکانات و خدمات اجتماعی محروم‌اند. طبقه‌ی متوسط در تمامی کشورهای جهان از جمله در کشورهای در حال توسعه در حال رشد است. این تنها خبر خوش گزارش جهانی کار است. بر پایه‌ی گزارش‌های سازمان ملل باوجود این رشد، شرایط زندگی و کار برای نیمی از نیروی کار در کشورهای در حال توسعه دشوار و بد است. در ایران موضوع کار بسیار بحرانی است. به گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۷ نرخ بیکاری افراد ۱۰ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۰٫۱۲ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به سال ۱۳۹۶، درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۷، ۴۰٫۵ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به سال قبل (۱۳۹۶)، ۰٫۴ درصد افزایش یافته است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله حاکی از آن است که ۲۵٫۱ درصد از فعالان این گروه سنی در سال ۱۳۹۷ بیکار بوده‌اند. ۲۵ درصد بیکار از جمعیت فعال ۴۰ درصدی یعنی بحران. این بحران تحت شرایط جنگ‌های اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، ناکارآمدی سیاست‌های داخلی، فساد سیستماتیک اداری و مالی، مدیریت ناکارآمد، عدم آموزش صحیح، مدرک‌گرایی و ... منجر شده است بحران بیکاری درصد صدر بحران‌های ملی قرار بگیرد. در این شرایط مفهوم کارآفرینی را به‌عنوان یک راهکار حیاتی برای حل بحران بیکاری و مشکلات ناشی از آن در صدر توجه قرار داده‌اند. محققان و پژوهشگران نیز این موضوع را از جوانب مختلف بررسی می‌کنند. موضوع کارآفرینی موضوعی بین‌رشته‌ای است و رشته‌های متفاوت از ابعاد متفاوت آن را بررسی می‌کنند. آنچه در اینجا باید به آن توجه کرد این موضوع است که در سه سطح نگرشی و سیاستی و عملیاتی باید کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. آموزش کارآفرینی شاه‌کلید حل بحران بیکاری است. در هر سه بعد نگرشی، عملیاتی و سیاستی کارآفرینی آموزش امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. آموزش نیز باید در سطوح مختلف انجام پذیرد اما شروع آموزش باید از مدرسه شروع شود و نهاد آموزش و پرورش پیشرو در این زمینه است. تحقیقات انجام‌شده نشان داد که آموزش در تحقیقات

پژوهشگران مغفول مانده است و بیشتر در سطح نظری به آن پرداخته‌اند. برآیند سیاست‌های آموزشی در ایران نشان داده است که آموزش کارآفرینی چندان موفق‌تری را نداشته است. راهکار اساسی در این زمینه بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق در زمینه آموزش کارآفرینی در سطح آموزش و پرورش مانند کشور فنلاند و برنامه اسکیلون (<https://skilloon.com/>) است. محققان باید این نوع برنامه‌ها را در سطوح مختلف در بین دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دهند و نتایج آن نیز در خدمت نهادهای آموزشی و سیاست‌های کلان و مدیریتی قرار بگیرد.



منابع

۱. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸). توسعه علوم انسانی از منظر کارآفرینی، مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره سوم، شماره ۷، ص ۹۹-۱۱۴.
۲. تارو، لستر (۱۳۸۱). ثروت آفرینان، ترجمه عزیز کیاوند، نشر فرا.
۳. خلعتبری، جواد (۱۳۸۷)، آمار و روش تحقیق، تهران: نشر پردازش
۴. بهزادیان، قربان (۱۳۸۳). ضرورت توجه به کارآفرینی و فناوری پیشرفته؛ مجموعه مقالات کارآفرینی و فناوری پیشرفته، ص ۸۵-۱۰۵.
۵. وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سازمان سمت
۶. تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
۷. بدری، احسان؛ لیاقت دار، محمدجواد، عابدی، محمدرضا، جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۲ (۴۰)، ص ۷۰-۹.
۸. مردان‌شاهی، محمدمهدی و آقاجانی، حسنعلی (۱۳۹۴). نقش آموزش کارآفرینی بر افزایش خلاقیت دانشجویان، نوآوری و ارزش‌آفرینی، دوره ۴، شماره ۸، ص ۳۳-۴۴.
۹. مجیدی، داوود؛ یاسبلاغی شراهی، بهمن، علی محمدی، میترا (۱۳۹۱). تأثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش و روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه خوارزمی، نشریه مهارت‌آموزی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۱۷-۱۲۹.
۱۰. مشایخ، پری (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کازرون، نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی). دوره دوم، شماره دوم، ص ۱۰۱-۱۱۳.
۱۱. بهرام زاده، محمدمهدی؛ باورصاد، بلقیس؛ جعفرپور؛ محمود (۱۳۸۹). ارزیابی نقش جو سازمانی در روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۶، ص ۱۸۰-۱۵۱.
۱۲. علی پور، احمد؛ شقاقی، فرهاد، برقی ایرانی، زیبا (۱۳۹۱) توزیع متفاوت مؤلفه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان چپ‌دست و راست‌دست، روان‌شناسی مدرسه، دوره ۱، شماره ۳، ص ۸۱-۶۳
۱۳. طباطبایی، زهرا؛ اوجی نژاد، احمدرضا، قلتاش، عباس (۱۳۹۴). رابطه هوش اجتماعی با مهارت‌های کارآفرینی و خلاقیت دانش‌آموزان هنرستان‌های شهر شیراز، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۶، شماره ۱، ص ۸۵-۱۰۱.
۱۴. آراستی، زهرا؛ قدوسی، سمیرا، باقری، افسانه (۱۳۹۵). تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق روش داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، مجله توسعه کارآفرینی، دوره ۹، شماره ۴، ص ۶۱۲-۵۹۳.

۱۵. مرادی، میترا؛ کوهستانی، حسینعلی، بهرام زاده، حسینعلی (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی در دانش‌آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راهکار جهت تقویت این ویژگی‌های، پژوهش‌نامه تربیتی، دوره ۵، شماره ۱۷، ص ۱۱۵-۱۲۸.
۱۶. عبدالهی، حسین؛ آقامحمدی؛ جواد؛ عباس‌پور، عباس، دلاور، علی (۱۳۹۶). تحلیل ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در بین دانش‌آموزان پایه نهم دوره اول آموزش متوسطه استان کردستان، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۱، ص ۴۹-۷۰.
۱۷. خاتمی، علی و شاه‌حسینی، حامد (۱۳۹۱). وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش، تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۱۶-۱۹۵.
۱۸. امین بیدختی، علی‌اکبر و قاسمی، طاهره (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با کارآفرینی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار، پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، دوره ۲، شماره ۲، ص ۲۸۰-۳۰۲.
۱۹. صالحی، رضوان؛ ربیعی، محمد، عابدی، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی ارتباط استعداد شناختی کارآفرینی دانش‌آموزان دوره متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش استان چهارمحال و بختیاری با متغیرهای جمعیت‌شناختی، هوش، عملکرد تحصیلی و شخصیت آنان، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ص ۲۵-۴۹.
۲۰. میرزاییان، یوسف و شریفی، مسعود (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان سال آخر مدارس متوسطه و هنرستان (دوره دوم) شهرستان دلفان، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۹، شماره ۱۷، ص ۱۵۸-۱۳۱.
۲۱. حریری، پریسا؛ فکری؛ کاترین؛ فانی، حجت‌اله (۱۳۹۵). اثربخشی بخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، دوره ۷، ص ۱-۱۶.
۲۲. Mahmoud, M.A ; Muharam, F.M & Mas ud, A. (2015). Factors that influence the entrepreneurial intention of Nigerian Postgraduates: Preliminary analysis and data screening. Asian social Science, Vol.11, No.4, pp189-180.
۲۳. Kyrö, Paula. (2006). Entrepreneurship Education and Finnish Society. TUTWPE No 152. [https://www.researchgate.net/publication/24137728 Entrepreneurship Education and Finnish Society](https://www.researchgate.net/publication/24137728_Entrepreneurship_Education_and_Finnish_Society).

٤٤. Hämäläinen, Minna & Ruskovaara, Elena & Pihkala, Timo. (2018). Principals promoting entrepreneurship education: The relationships between development activities and school practises. *Journal of Entrepreneurship Education*. 21.
٥٥. Ruskovaara, Elena & Pihkala, Timo. (2014). Entrepreneurship Education in Schools: Empirical Evidence on the Teacher's Role. *The Journal of Educational Research*. 108. 1-14. 10.1080/00220671.2013.878301.
٦٦. Mecline, R.L. (2004). Opportunity Recognition: an exploratory investigation of a component of the entrepreneurial process in the context of the health care industry: theory and practice. *Tertiary education Management*, vol.25, issue.2, pp81-94.
٧٧. Rajput, P.K; Srivastava, R.K & Dhulia, U. (2015). Under graduate students attitude towards Entrepreneurship- an earnest need to study. *American research thoughts*, Vol.1, Issue.6, pp.1722-1717.
٨٨. Acs, Zoltan J., and David B. Audretsch (2003), Innovation and Technological Change, in: Z.J. Acs and D.B. Audretsch (eds.), *Handbook of Entrepreneurship Research*, Boston/Dordrecht: Kluwer Academic Publishers, 55-79.
٩٩. Palmer. M.(1987). The Application of psychological Testing to Entrepreneurial potential, Inc. Baumbach, J. Mancuso (eds). *Entrepreneurship and venture Management* N.J: Prentice Hall.
٣٠. Baptista, R., & Preto, M. T. (2007). The dynamics of causality between entrepreneurship and unemployment. *International Journal of Technology, Policy and Management*, 7(3), 215-224.
٣١. Johnson, B. and L. Christensen (2006). *Education Research: Quantitative, Qualitative and Mixed Approaches*. Needham Heights: Allyn and Bacon
٢٢. Hisrich, R. D. & peters, P. and Shepherd. D (2005). *Entrepreneurship*, Mc Graw – Hill.
٣٣. Mohanty S.K. (2006). *Fundamental of entrepreneurship*, prentice- Hall of India.
٤٤. Schumpeter, J. (2006). *Management and organizational Behavior*, 5th ed, Pitman, 341.
٥٥. Brockhaus. R.(1982). Risk Taking propensity of Entrepreneurs. *Academy of Management, journal*.
٦٦. Gasse. Y.(1985). A strategy for the promotion and Identification of potential Entrepreneurs at the secondary school level. In P.D. Reynolds(ed). *Frontier of Entrepreneurship Research*. Washington: Babson College.
٧٧. Bosma, N. and et al. (2012). *Global Entrepreneurship Monitor 2008 Executive Report*. London, U.K.: London Business School and Babson Park, MA: Babson College.

۸۸. Gurol, Y; Atsan, N. (2008). Entrepreneurial characteristics amongst university students, Education -Training Vol. 48. No 1. PP.25-38.
۹۹. Wolf, F. (1986) Meta-analysis: Quantitative methods for research synthesis, Beverly Hills CA: Sage.
۴۰. Halpin, A. W., & Croft, D. B. (1993). The Organizational Climate of schools. Chicago: U. of Chicago. 258-280.
۴۱. Robinson, P.B, Stimpson, D.v, Huefner, Y.C, and Hunt, K.H, (1991), An attitude approach to the prediction of entrepreneurship, Entrepreneurship Theory and practice, Vol. 15, No. 4.
۲۲. Briga, H. (1996). Entrepreneurship education and training introducing entrepreneurship education into non-business discipline. European Industrial Training , Vol. 20, ISS. 8, P.10
۳۳. Stevenumbert son H. and Gumbert DE, (1985). The heart of entrepreneurship, Harvard Business Review, No2 March pp85-94
۴۴. Mc Clelland, C. David, (1961), The achieving society princeton, Nj, Van nostrand Co.
۵۵. Tsz Ki, L. (2005). "Developing Creativity and Problem Solving Through Story Telling for Preschool Children", Dissertation presented a part fulfillment of the requirements of the degree of Master of Education, the University of Hong Kong.
۶۶. Annett, M. (2002). Handedness and brain asymmetry: the right shift theory. Hove: Psychology press.
۷۷. Gurol, Y Atsan, N. (2006) Entrepreneurial characteristics amongst university students, Education.Training, 4

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

Meta-analysis and systematic overview of entrepreneurship studies among students

Abstract

Unemployed youth and educated youth, and the social consequences of it in the critical condition of the country, have made entrepreneurship an important research topic for researchers in various disciplines. The experience of successful countries has shown that education as a key factor in human resource improvement and sustainable development plays a huge role in entrepreneurship. The purpose of this study is to evaluate student entrepreneurship research in Iran. This study was conducted for the first time in Iran by meta-analysis method. ۱۲ scientific research articles on student entrepreneurship were compared. The findings of the study indicate that the geographical distribution of the studies is limited and have been studied from a psychological perspective. Most research has been theoretical and has not provided operational solutions. Applied Entrepreneurship Education By localizing student entrepreneurship programs at the attitudinal, policy, and operational levels of developed countries such as Finland can be a key and practical guide to student entrepreneurship.

Keywords: Meta-analysis, Unemployment, Entrepreneurship, Education, Students